

تقریر درس خارج فقه هوش مصنوعی حضرت استاد آیت الله محسن اراکی دامت برکاته

مقرر	مرتضی اسدیان لایمی	جلسه	۰۲	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۸ / ۲۷
عنوان ۱	مبادی تصدیقی فقه هوش مصنوعی				
عنوان ۲	• تعریف اصول فقه مورد نیاز در بحث				
عنوان ۳	• قواعد اصولی مورد نیاز در بحث و شرایط آنها				
عنوان ۴	• محوریت مباحث دلیلیت و تاثیر آن در بحث				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

در فقه هوش مصنوعی، مبادی تصدیقی یعنی همان قواعد اصولی که برای استنباط احکام این حوزه به کار می‌روند. اصول فقه واحد است و نیازی به تأسیس «اصول فقه جدید» یا «اصول فقه هوش مصنوعی» نیست؛ همان اصول فقه موجود و استوار شیعه کفایت می‌کند. این قواعد اصولی دو دسته‌اند: قواعد دلالت و قواعد دلیلیت. در حوزه هوش مصنوعی، قواعد دلالت هیچ تغییری نمی‌کند و همان قواعد دلالت متداول (مباحث الفاظ یا منطق دلالت) به طور کامل قابل استفاده است؛ اما قواعد دلیلیت محل اصلی بحث و تنقیح است؛ یعنی باید بررسی شود که داده‌ها و استنتاجات هوش مصنوعی (که از دو شیوه قیاسی و استقرایی بهره می‌برد) در چه شرایطی حجیت شرعی دارند، آیا واقعاً یقین معتبر ایجاد می‌کنند، و با توجه به احتمال خطا در هفت کارکرد اصلی هوش مصنوعی (دریافت، گزینش، جمع‌بندی، تنظیم، ترکیب، تجزیه، تحلیل)، دایره حجیت و دلیلیت آن‌ها تا کجاست. بنابراین هسته مبادی تصدیقی فقه هوش مصنوعی، تنقیح حجیت و دلیلیت استنتاجات هوش مصنوعی است، نه تغییر در قواعد دلالت.

مروری بر مباحث گذشته

در بحث گذشته در مسأله فقه هوش مصنوعی گفتیم که ابتدا باید به مبادی تصویری و تصدیقی لازم برای ورود در بحث فقه هوش مصنوعی بپردازیم. در مبادی تصویری گفتیم که باید تعریف واژه‌هایی را که در عنوان بحث آمده بیان کنیم؛ بحث کردیم که «هوش مصنوعی» یعنی چه، و به اصطلاح تعریف هوش مصنوعی را بیان کردیم و گفتیم که مقصود ما از «فقه هوش مصنوعی» چیست و بحث را در این رابطه توضیح دادیم؛ لذا مباحث را اعاده نمی‌کنیم.

مبادی تصدیقی فقه هوش مصنوعی

بحث امروز ما در مبادی تصدیقی فقه هوش مصنوعی است. وقتی می‌گوییم مبادی تصدیقی، منظورمان این نیست که تمام مقدماتی را که از لحاظ تصدیقی برای بحث درباره فقه هوش مصنوعی نیاز داریم، بحث کنیم؛ نه. مراد ما از مبادی تصدیقی همان «اصول فقه هوش مصنوعی» است؛ یعنی آن اصول فقهی که در استنباط مسائل فقه هوش مصنوعی می‌خواهیم مورد استفاده قرار دهیم؛ به این معنا که کدام اصول فقه است؟ در استنباط مسائل فقه هوش مصنوعی چه اصولی یا چه قواعدی از اصول فقه برای ما مورد نیاز است؟ این مراد از مبادی تصدیقی بحث فقه هوش مصنوعی است.

اصول فقه مورد نیاز در این بحث

لذا ابتدا باید به تعریف اصول فقه بپردازیم؛ چون وقتی ما می‌گوییم اصول فقه، معنایش این نیست که از نو بیاییم یک اصول فقه جدیدی تأسیس کنیم به این معنا که برای فقه هوش مصنوعی به اصول فقه جدید نیاز داریم؛ این معنا غلط است. نه تنها در فقه هوش مصنوعی، بلکه در هر رشته‌ای از رشته‌های فقه، ما در هر رشته‌ای از رشته‌های فقه به یک اصول فقه و فقه جدید نیاز نداریم. اگر کسی چنین حرفی بزند یا فقه را شناخته یا معنای اصول فقه را نمی‌داند. اصول فقه یعنی «منهج استنباط» به طور کل؛ حالا چه این مرجع استنباط، استنباط فقه هوش مصنوعی باشد، فقه فردی باشد، فقه کلان باشد، فقه خرد باشد، فقه معاملات باشد، فقه عبادات باشد؛ اصول فقهی که در فن اصول فقه تدوین شده با آن استحکام بی‌نظیری که اصول فقه ما دارد، همین اصول فقه است؛ نه اصول فقه خاص.

وقتی ما می‌آییم می‌گوییم مثلاً در مباحث نظام، «اصول فقه نظام» را بحث کنیم، یعنی همین اصول فقه متداول؛ یعنی اگر بخواهیم مسائل فقه نظام را استنباط کنیم، چگونه از این اصول فقه بهره بگیریم؟ چه اصلی از اصول فقه اینجا به دردمان می‌خورد و نیازمندیم به آن؟ و وقتی تطبیق می‌کنیم این قاعده اصولی را در مسأله فقه کلان، چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟ معنایش این است که چگونه از این اصول فقه تثبیت شده‌ای که داریم در مسائل مربوط به این فقه یا این رشته استفاده کنیم. اینجا هم حرف همین است.

ما وقتی می‌گوییم بیاییم ببینیم چه اصول فقهی یا آن قواعد اصولی که در مباحث فقه هوش مصنوعی به آن‌ها نیاز داریم چیست، منظور این است که اول باید به تعریفی که از اصول فقه داریم مراجعه کنیم؛ آن تعریفی که ارائه دادیم و الحمد لله تعریفی بسیار محکم است و آن ایرادهایی که بر خیلی از تعاریف اصول فقه وارد می‌شود، بر این تعریف وارد نیست؛ بحثش را هم کرده‌ایم، دوستان می‌توانند به جلد اول «اصول فقه نوین» مراجعه کنند؛ هم تعاریفات بزرگان را بیان کرده‌ایم، هم تعریفی که اختیار کرده‌ایم بیان شده و بر صحت و استحکام آن استدلال شده است.

گفتیم تعریف علم اصول فقه این است: «العلم بالقواعد الاستدلالية على الحكم الفقهي إثباتاً و دلالة».

برای استنباط هر حکم فقهی به دو چیز نیاز داریم:

۱. احتیاج داریم به این که اثبات کنیم این دلیل می‌تواند دلیل بر استنباط حکم فقهی باشد؛ یعنی اثبات دلالت (که البته موضوعش همان ما یصح أن یكون دلیلًا است)؛ چیزی که می‌تواند دلیل باشد، آیا دلالت دارد؟ آیا حجیت دارد؟ آیا می‌توانیم با آن حکم شرعی را اثبات کنیم یا نمی‌توانیم؟ حالا این حکم شرعی اعم از این که حکم شرعی اولی باشد یا ثانوی، و

اعم از این که دلیل، دلیل اجتهادی باشد یا دلیل فقهائی؛ به هر حال دلالت دلیل را باید بحث کنیم. اصول فقه این کار را می کند که آیا خبر واحد می تواند دلیل باشد؟ آیا ظواهر می توانند دلیل باشند؟ آیا استصحاب می تواند دلیل باشد؟ این ها اصول عملی یا اماراتی هستند؛ درباره دلالت (یعنی اثبات دلالت) بحث می کنیم. اولین کاری که علم اصول فقه می کند، درباره اثبات دلیل بودن دلیل بر حکم فقهی است.

۲. کار دیگر در اصول فقه، قواعد دلالت است. اگر دلالت یک دلیل محرز شد (آیه قرآن، سنت نبوی، سنت معصومین، متواتر) و دلیل بودنش محرز شد، باید درباره قواعد دلالت این دلیل بر حکم شرعی بحث کنیم.

البته ما گفتیم بهتر است بدل مباحث الفاظ تعبیر شود به «مباحث قواعد دلالت»؛ خودش یک علم بسیار پیشرفته است. یکی از افتخارات حوزه های ما این است که ما «علم منطق دلالت» را داریم و در حوزه های خودمان این علم را تأسیس کردیم؛ این علم را کشف کردیم؛ این از مکتشفات منحصر به فرد حوزه های علمی شیعه است که توانستیم نظام قواعد دلالت کلام را بر مقاصد جدیه متکلمین کشف کنیم؛ در مجموعه مباحثی که از آن به «مباحث الفاظ» تعبیر می کنیم یا بهتر است تعبیر کنیم به «مباحث قواعد دلالت» یا «منطق دلالت».

بنابراین ما در استنباط هر رشته ای از رشته های فقهی به این دو چیز احتیاج داریم:

- به قواعد اصولی که دلالت یک دلیل را اثبات می کند؛

- به مباحث اصولی که دلالت این دلیل را اثبات می کند.

نکته بسیار جالبی در اصول فقه ما هست که اول درباره قواعد دلالت بحث می کنند، بعد می آیند درباره قواعد دلالت بحث می کنند.

چرا مباحث دلالت مقدم داشته می شود؟ چون ما در مباحث اثبات دلالت دلیل گاهی به ادله ثابتة الدلیلیة تمسک می کنیم؛ ادله مقطوعة الدلیلة، ادله قطعیة؛ مثلاً به قرآن و آیات قرآن تمسک می کنیم، به سنت متواتر نبی اکرم صلی الله علیه و آله تمسک می کنیم که دلیل بودنش مسلم است؛ به قواعد دلالتش نیاز داریم. لذا اول قواعد دلالت را بحث می کنیم تا وقتی در مباحث حجج خواستیم به یک آیه قرآن یا به یک سنت متواتر تمسک کنیم، قواعد دلالت دستانمان باشد.

پس وقتی می گوئیم مبادی تصدیقی فقه هوش مصنوعی، مرادمان از مبادی تصدیقی آن دسته از قواعد اصولی است که برای استنباط مسائل فقه هوش مصنوعی به آن ها نیازمندیم؛ این روشن شد.

قواعد اصولی مورد نیاز در بحث و شرایط آنها

حالا از این دو دسته قواعد اصولی (قواعد دلالت و قواعد اثبات دلالت)، کدام دسته را باید برای ورود در مباحث فقه هوش مصنوعی بحث کنیم؟

به نظر می رسد ما قواعد دلالت خاصی اینجا نداریم؛ یعنی قواعد دلالت همان قواعد دلالت در همه جا است؛ چون اگر بخواهیم در مباحث فقه هوش مصنوعی به آیه ای تمسک کنیم، به روایتی تمسک کنیم، از همان قواعد دلالتی که در اصول فقه تنقیح شده استفاده می کنیم. در قواعد دلالت فرقی بین فقه هوش مصنوعی و هر فقه دیگری وجود ندارد؛ چه دلیل لفظی باشد چه دلیل عقلی باشد؛ همان قواعد دلالتی که در اصول فقه تنقیح کرده ایم، در مباحث استنباط مسائل مربوط به فقه هوش مصنوعی هم همان کاربرد را دارد. بنابراین برای استنباط مسائل فقه هوش مصنوعی قواعد دلالت جدید نیاز نداریم؛ لذا

در مبادی تصدیقی فقه هوش مصنوعی در این بخش (بخش قواعد دلالت) بحثی نداریم؛ از همان قواعد دلالت موجود و تنقیح شده در علم اصول فقه استفاده می‌کنیم.

محوریت مباحث دلالت و تاثیر آن در بحث

اما جایی که بحث دارد، قواعد دلالت است؛ یعنی ما اینجا نیاز داریم که مثلاً اثبات کنیم داده‌های هوش مصنوعی تا چه اندازه حجیت دارد؟ تا چه اندازه می‌توانند دلالت برای اثبات حکم فقهی پیدا کنند؟ کجا دلالت دارند و کجا ندارند؟ در استدلال کلاً دو شیوه استدلال داریم (خصوصاً بنا بر آنچه استاد شهید مرحوم آقای صدر رحمته الله علیه تنقیح و تثبیت کردند): دو شیوه منطقی در استدلال:

۱. روش «منطق عقلی» یعنی با مقدمات بدیهی یا با صورت استدلال بدیهی و قطعی که ما را به نتیجه می‌رساند؛ این استدلال عقلی یا قیاسی است. شیوه استدلال مبتنی بر قیاس صوری یا منطق صوری؛ در منطق صوری کبری و صغری و حدّ وسط وجود دارد؛ با حدّ وسط، حدّ اکبر را برای حدّ اصغر اثبات می‌کنیم. نتیجه بخشی منطق صوری مبتنی بر دو اصل اساسی است:

- بدیهی بودن صورت استدلال؛

- اگر ماده استدلال (مقدمات) صادق و قطعی باشد، صدق نتیجه قطعی است (مثل ریاضیات: $2 + 2 = 4$).

یا مانند العالم متغیر (قطعی)، کل متغیر حادث (قطعی) فالعالم متغیر.

۲. شیوه دیگر استدلال استقرایی است؛ از خاص به عام می‌رسیم (برخلاف قیاسی که از عام به خاص می‌آییم). مثال معروف: هزاران فلز را آزمایش کردیم و همه با حرارت منبسط شدند → پس هر فلزی با حرارت منبسط می‌شود. هر دو شیوه استدلال یقینی و صحیح‌اند (با شرایطشان). هم استدلال قیاسی و هم استقرایی در داده‌های برگرفته از هوش مصنوعی قابل به کارگیری‌اند.

حرف ما این است که این دو شیوه استدلال در کجا می‌توانند حجت باشند؟ با چه شرایطی؟ آیا همه جا حجت‌اند فقط وقتی که یقین آور باشند؟ اگر یقین آور بودند و این یقین از طریق داده‌های هوش مصنوعی به دست آمد، دو بحث در آن است: الف. بحث مربوط به محتوای داده‌ها؛

ب. بحث مربوط به شیوه تنظیم این داده‌ها.

اگر یادتان باشد، در تعریف هوش مصنوعی گفتیم هفت کارکرد دارد: دریافت داده‌ها، گزینش، جمع‌بندی، تنظیم، ترکیب، تجزیه، تحلیل داده‌ها؛ هوش مصنوعی از این طریق به استنتاج می‌رسد.

بحث ما در حجیت این است که در چه شرایطی نتایج کارکرد هوش مصنوعی در همه این عرصه‌های هفت‌گانه می‌تواند حجیت داشته باشد و دایره حجیتش چه میزان است؟

بحث حجیت دو گونه است:

۱. قطع به دست آمده از بهره‌گیری از هوش مصنوعی آیا حجت است یا نیست؟ (بحث کبروی)

۲. آیا داده‌های هوش مصنوعی واقعاً قطع قابل اعتماد ایجاد می‌کنند یا نه؟ (بحث صغروی)

ممکن است کسی ادعا کند همه کارهای هفت گانه هوش مصنوعی دستخوش خطا و فریب است؛ پس چه تضمینی برای خطانکردن داریم؟ درصد خطا چقدر است؟

بحث دیگر اینکه اگر قطع آور شد، این قطع حاصل از کاربری هوش مصنوعی چقدر حجت است؟ ممکن است کسی بگوید حجت قطع ذاتی است و نمی شود آن را تخصیص زد؛ اما بحث اینجاست که حجت قطع ذاتی به این معنا نیست که نشود تخصیص زد؛ مثلاً قطع حاصل از مقدمات غلط یا از حس یا از شیوه های نادرست، حجت نیست یا حجیتش محدود است (مثل بحث قطع خطائی در باب قضا و اعاده نماز و روزه) زیرا آثار مترتب بر آن قابل تغییر هستند که امر مهمی است.

بنابراین مبادی تصدیقی فقه هوش مصنوعی یعنی بررسی آن قواعد اصولی که از اصول فقه موجود باید در فقه هوش مصنوعی به کار ببریم؛ و در این مبادی تصدیقی، بحث ما درباره قواعد دلالت است نه قواعد دلالت؛ چون قواعد دلالت همان است که در اصول فقه تنقیح شده و ما همان را به کار می گیریم.

این بحث ها ادامه دارد و إن شاء الله هفته آینده آن را ادامه خواهیم داد.

و صلی الله علی محمد و آل محمد